

فصل‌نامه جُندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶

## تاریخ‌نگاری در ایران پیش از اسلام<sup>۱</sup>

علیرضا شاپور شهبازی

ترجمه بهرام روشن‌ضمیر<sup>۲</sup> و کلثوم غضنفری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۱۴

ابده تاریخ به‌عنوان علمی که با مطالعه رفتارهای انسانی بر اساس شواهد، در گذشته‌ای تاریخی، حقیقت را جستجو کند، بنابر شواهد موجود، نخستین بار از سوی هرودوت در سده پنجم پ.م درک شده است<sup>۴</sup> و بعدها توسط اندیشمندان غربی از ویکو تا توین‌بی و دیگران توسعه یافته است. با اینحال، تاریخ‌نگاری ایرانی از مکتب هرودوت تاثیر نپذیرفت.<sup>۵</sup> بلکه با تاسی از سنت شفاهی و سبک میانروانی شبه-تاریخی<sup>۶</sup> که روایت‌های تاریخی را با مفاهیم خدامحوری (خدامرکزی)، موعظه‌های ایدئولوژیکی و روایت‌های داستانی<sup>۷</sup> می‌آراست، توسعه پیدا کرد.<sup>۸</sup> از این رو، به کارگیری اصول نقد تاریخی غربی، کمک

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

A. SH. Shahbazi, HISTORIOGRAPHY ii. PRE-ISLAMIC PERIOD, *Encyclopædia Iranica*, XII /3, pp. 325-330; an updated version is available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/historiography-ii>

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران Roshan.Zamir@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران k.ghazanfari@ut.ac.ir

4. Callingwood, pp. 17-30.

5. Klima, pp. 218-20.

6. Quasi-history

7. Romantic lore

8. Klima, pp. 14-17.

چندانی به درک اهمیت و مفهوم درست تاریخ‌نگاری ایرانی نخواهد کرد<sup>۱</sup> و ترمینولوژی تاریخی غربی تنها برای مشخص کردن ویژگیهای متفاوت ایده ایرانی از تاریخ سودمند خواهد بود.

تحولات - ایرانیان باستان روایت شفاهی از تاریخ را ترجیح می‌دادند. این روش اجازه می‌داد راویان متوالی در روایت‌های رویدادها تجدیدنظر کرده و پهلوانان متفاوتی را در زمانهای متفاوت در آن رویداد مشارکت دهند.<sup>۲</sup> کهن‌ترین روایت‌های تاریخی ایرانیان که شامل مطالب حماسی باشد، در یشت‌های اوستا یافت می‌شود.<sup>۳</sup> در آنجا حقایق تاریخی و تبارشناسی‌های دقیق با قصه‌هایی شاعرانه و افسانه‌ای، به هم آمیخته شده است.

از قرار معلوم، در این روایات، هم سنت‌های مذهبی (روحانی) و هم دنیوی، که به دست خنیاگران و روحانیون مذهبی انتقال می‌یافت عناصری از خرافات عامیانه و ترس از افسانه‌های دیوان و جادوگران و جانوران هراسناک وجود دارد. این روایات با داستانهای قهرمانانه‌ای<sup>۴</sup> که قدرت خدایان را برای حفاظت از انسان‌های ستایش‌گر و کمک به آنان به هنگام نیاز نمایش می‌دهد، ترکیب شده است.<sup>۵</sup>

با فتح خاور نزدیک باستان، ایرانیان با فرهنگهایی که مدت‌های مدید، سنتی از تاریخ نوشتاری داشتند، آشنا گشتند.<sup>۶</sup> این مهم به تحولاتی چند انجامید. نخست اینکه ایرانیان به نگهداری و ثبت رویدادهای تاریخی مانند آنچه به عنوان رویدادنامه کورش در بابل می‌شناسیم پرداختند. از این میان سنگ‌نوشته بیستون داریوش و رونوشت‌های آرامی آن که در استان‌های شاهنشاهی توزیع شده بود، بهترین نمونه است. هدف این بود که مخاطب قانع شود که ایرانیان منجی‌هایی منسوب خدایان‌اند که ماموریت‌شان به ارمغان آوردن عدالت، نظم و آسایش برای مردمان جهان است.<sup>۷</sup>

هخامنشیان سبک خاطره‌نویسی بابلی را نیز حفظ کردند<sup>۸</sup> مثلاً در حین نبرد سالامیس، خشایارشا به منشی خود دستور داد تا نام هر افسری که دستاورد ارزشمندی به دست می‌آورد را «در کنار نام پدر و شهر

1. Yarshater, p. 367.

2. Boyce, 1954, 1955, 1957; Shahbazi, 1990; see also G S N.

3. Christensen, 1917, 1928, 1931; Boyce, *Zoroastrianism I*, pp. 92-108; Yarshater, pp. 411-53.

4. Stories of valour

5. Boyce, *Zoroastrianism I*, p. 108.

6. Klima, pp. 214-17; Grayson, 1975a, pp. 1-7; G. Cameron, pp. 79-81.

7. G. Cameron, pp. 81-94, esp. p. 93.

۸. درباره این ژانر بنگرید به:

Grayson, 1975a, p.1.

او) ثبت کند.<sup>۱</sup> هنگامی که شاهزاده داریوش به توطئه و خیانت بر ضد پدرش اردشیر دوم متهم شد، «شاه به کاتبان دستور داد تا رای هر یک از قضات را ثبت کنند».<sup>۲</sup>

کتسیاس ادعا می‌کند به عنوان منبع کتاب خود پرسیکا از حقایقی «دربارهٔ هر پادشاه» که در «دفترهای شاهی»<sup>۳</sup> موجود بود، بهره‌گرفته است. در این دفترها ایرانیان بر حسب قانون خاص خود<sup>۴</sup>، امور کهن خود را ثبت و ضبط می‌کردند.<sup>۵</sup> این ادعای او باید دروغ باشد. چراکه کتسیاس، بیشتر، شایعات را ثبت می‌کرد.<sup>۶</sup> اما ظاهراً رویدادنامه‌ای که حوادث تاریخی و فرمان‌های حکومتی را ضبط می‌کرد وجود داشته است.<sup>۷</sup> چنانکه اکتار کلیما خاطرنشان کرده است<sup>۸</sup> محتویات چنین کتابی بیشتر با مسائل دربار سر و کار داشت و کمتر شباهتی با تاریخ مکتوب می‌داشت. از این رو تاریخ تا دوره اسلامی یک هنر درباری باقی ماند.<sup>۹</sup> در سنت کتابت بابلی، همه اسناد بر اساس سالهای برتخت‌نشینی پادشاه وقت تاریخ‌گذاری می‌شد.<sup>۱۰</sup> در این روش، فهرست‌های پادشاهان به سبک میان‌رودانی و رویدادنامه‌های دودمانی<sup>۱۱</sup> تدوین می‌شدند. از آنجا که الواح میخی کاتبان بابلی تا دورهٔ سلوکی و پارتی<sup>۱۲</sup> حاوی اطلاعات ارزشمندی بودند، بروسوس و دیگر ستاره‌شناسان و گاه‌نگارها<sup>۱۳</sup> پس از او از آن اسناد برای مرتب کردن فهرست شاهان و جدولها بهره می‌بردند.

1. Herodotus, 8.90.

2. Plutarch, *Artaxerxes* 29.4.

3. *llll llnn diphther n*

4. Certain law of theirs

5. Diodorus Siculus, 2.32.

6. Photius, *Epit.* 1, apud Gilmore, in Ctesias, p. 122.

7. Ezra 6.1-2; Esther 2.32.4: *rrrr rrrēē aammmlmlēē āā yyy ū-sssss* ; also 2.23 *sssss siēēē āāāāā īm*; cf. 6.1; Josephus, *Jewish Antiquities* 11.2.

8. pp.214-17.

9. Klima, p. 220, citing J e .

10. cf. Parker and Dubberstein, pp. 14-19.

11. Grayson, 1975a, pp. 8 ff., 193-95; idem, 1975b, pp. 9, 16-22.

12. Lewy, pp. 201-4; Parker and Dubberstein, pp. 20-24; Sacks and Wiseman; Debevoise, pp. xxxiv, 72, n. 7, 76, n. 22; Geller.

13. Chronographer

در یکی از این فهرستهای شاهان در جدول بطلمیوس<sup>۱</sup> آمده است که پایه و اساس محاسبات گاه‌نگارانه<sup>۲</sup> ما از سده هفتم پیش از میلاد به بعد است.<sup>۳</sup> در این جدول همچون اسناد بابلی، سالهای حکومتی کورش از برتخت‌نشینی‌اش در بابل (یعنی ۵۳۹ پ.م) شمرده و به او ۹ سال حکومت اختصاص داده شده است.<sup>۴</sup> حال آنکه نویسندگان کلاسیک می‌دانستند که کورش ۳۰ سال پادشاهی کرده است.<sup>۵</sup> در جدول بطلمیوس<sup>۶</sup> فهرست پادشاهان ایرانی بدین صورت آمده که ۷ سال به کمبوجیه، ۳۰ سال به داریوش یکم، ۲۱ سال به خشایارشا، ۴۱ سال به اردشیر یکم، ۱۹ سال به داریوش دوم، ۴۶ سال به اردشیر دوم، ۲۱ سال به اردشیر سوم، ۲ سال به ارشک<sup>۷</sup> و ۴ سال به داریوش سوم اختصاص داده شده که مجموعش ۲۰۶ سال می‌گردد. از حدود سال ۳۰۰ پیش از میلاد تا دوره‌های اخیر، سالشمار سلوکی (که در بابل از بهار ۳۱۱ شمارش می‌شود) به عنوان یک شیوه گاه‌نگارانه<sup>۸</sup> ثابت به کار گرفته شد.

مانویان این سالشمار را تقویم منجمان بابلی می‌نامیدند.<sup>۹</sup> دیگران به آن سالشمار حکومت یونانی<sup>۱۰</sup> یا سالشمار (تقویم) اسکندری یا به صورت خلاصه شده "از اسکندر" می‌گفتند.<sup>۱۱</sup> پارتیان سالشمار دودمانی خود را (که از ۴۴۷ پ.م شمرده می‌شد) نیز بنیاد نهادند. ولی آنها در عین حال به استفاده از سالشمار سلوکی، با عنوان "شمارش سابق" ادامه دادند.

هنگامی که سلوکیان ادعای دروغین خود را مبنی بر اینکه آقامه ملکه ایرانی سلوکوس، فرزند اسکندر از دختر داریوش است، مطرح کردند، سالشمار سلوکی (به اشتباه) با برتخت‌نشینی اسکندر مرتبط شد.<sup>۱۲</sup> از

1. Ptolemy Canon

2. Chronological calculations

3. Praeclap. 12; Parker and Dubberstein, p. 10; cf. Bickerman, p. 81.

۴. برای شواهد بابلی بنگرید به:

Parker and Dubberstein, p. 14.

5. Dubberstein, 1938.

6. Bickerman, p. 108.

7. Arsaces

8. Chronological device

9. Biruni, . . . pp. 118, 208.

10. Greek dominion

11. see Taqizadeh, 1939a, pp. 125 ff.; Shahbazi, 2002, pp. 31-33.

12. Shahbazi, 1977, p. 29.

این رو ۲۲۸ سال فترت میان برتخت‌نشینی کورش در بابل (۵۳۹ پ.م) و آغاز سالشمار سلوکی (۳۱۱ پ.م) به عنوان دوره فرمانروایی ایرانیان بازتفسیر گشت<sup>۱</sup> تاریخ‌نگاری ایرانی به‌راستی نه در شکل کتبی، که در شکل شفاهی آن شکوفا شد.<sup>۲</sup> تاریخ اوستایی که در یشت‌ها روایت شده، در میان ایرانیان شناخته شده بود.<sup>۳</sup> افزون بر آن، ایرانیان تاریخ شفاهی پربار خودشان را خلق کرده بودند. هرودوت چندین مرتبه به «راویان ایرانی» در میان منابع خود اشاره کرده و آنان را لوگوگرافی<sup>۴</sup> یعنی راویان اخبار رایج (در مقابل تاریخ‌نگاران که تحقیق می‌کردند) می‌نامد. آنان چهار روایت مختلف از داستان برآمدن کورش را برایش نقل کردند و او «از آن دسته از منابع ایرانی که هدفشان چشمگیر نشان دادن دستاوردهای کورش نبود، بلکه به نسبت به حقیقت نزدیکتر بودند» پیروی کرد.<sup>۵</sup> در مورد مرگ کورش هم او گزارش‌های گوناگونی شنیده و یکی از آنان که به نظرش بیشترین اعتبار و ارزش را داشت برگزید.<sup>۶</sup> چنانکه منابع کلاسیک تاکید داشته‌اند، تاریخ‌نگاری شفاهی در قلمرو شعر ایرانی قرار داشت. کسنفون گزارش می‌کند<sup>۷</sup> که حتی در زمان او هم ایرانیان داستان‌ها و شعرهایی می‌سرودند که در آن کورش قهرمانی نامجو بود که همه رنج‌ها را تحمل و همه خطرها را به جان خرید تا توانست تحسین و ستایش همگان را برانگیزد.<sup>۸</sup>

به گزارش استرابون<sup>۹</sup> جوانان پارسی «با استفاده از آهنگ یا بدون آن از کردارهای خدایان و قهرمانان بزرگ آگاه می‌شدند». فرار کورش از دربار آستیاگ در آوازه‌هایی کنایه‌آمیز خواننده-نوازنده‌های دربار ماد نقل می‌شد<sup>۱۰</sup> و دستاورد بزرگ زویپروس (یکی از شش یار داریوش بزرگ) با داستانهای خیالی درهم‌تنیده شده بود.<sup>۱۱</sup> دلیلش چیزی نبود جز گرایش ایرانیان به تاریخ‌نگاری شفاهی. با سرنگونی

1. Agathias, 2.25.7, probably based on Alexander Polyhistor; see Pra le, p. 12, n. 3; for more evidence, see Shahbazi, 2002, p. 33.

2. Klima, p. 221.

3. Yarshater, p.388.

4. Logographoi

5. Herodotus, 1.95.

6. 1.214.

7. *Cyropaedia* 1.2.1.

8. Endured all sorts of labor and faced all sorts of danger for the sake of praise

9. *Geography* 15.3.18.

10. Dinon, apud Athenaeus, *Deipnosophistae* 14.663b ff.

11. Herodotus, 3.152-60; Polyaeus, *Strategica* 7.12, apud Shahbazi, 1990, p. 261.

شاهنشاهی هخامنشی و نابودی یا پراکندگی اسناد آن، تنها آن دسته از روایت‌های شفاهی که به جهت منسوب شدن به پهلوانان متاخر یا برای شرکت دادن کیانیان بازتدوین شده بود، باقی ماند. با این حال، ارتباط با بابلی‌ها تأثیرات ژرفی بر اندیشه تاریخ‌نگاری ایرانیان نهاد. نخست، تاریخ با توجه به این اصل که «سه امپراتوری آشوریان، مادها و پارسیان تاریخ بشریت را تقسیم کردند» دوره‌بندی شد.<sup>۱</sup> وقتی فتوحات اسکندر این باور را که «شاهنشاهی پارسی تا آخرالزمان دوام خواهد آورد» از میان برد،<sup>۲</sup> امید به رستاخیز در ادبیات شاعرانه‌ای از نوع «پیشگویی‌های دودمانی»<sup>۳</sup> نمایان شد.<sup>۴</sup> این ژانر ادبی اکدی شامل پیشگویی‌هایی پس از واقعه می‌شد که بر اساس حکومت‌هایی که صفت خوب یا بد داشتند مرتب شده<sup>۵</sup> و غالباً با جمله «شاهزاده‌ای برخوهد خاست» یا چیزی مانند آن آغاز می‌شد.

در واقع چنین متن‌هایی فرم پیشگویانه ظهور و سقوط آشور، بابل، هخامنشیان و برآمدن مقدونیان را شرح می‌داد.<sup>۶</sup> متن بهمن‌یشت که به اسکندر اشاره دارد باید بر پایه پیشگویی‌های دروغین مشابه بوده باشد.<sup>۷</sup> نمونه‌های بعدی ایرانی (جاماسپ‌نامه، پیشگویی‌های رستم پسر فرخزاد هرمز در شاهنامه و غیره، که به رستم فرخزاد نام‌ور است) همه از این ژانر بابلی نشأت گرفته‌اند.

دوم- از آنجا که کاتبان بابلی سالهای سلطنت اسکندر را از برتخت‌نشینی‌اش در مقدونیه در ۳۳۶ پ.م حساب کردند<sup>۸</sup> منابع متاخر ایرانی بر پایه همین سنت بابلی به جهانگشای مقدونی (۳۳۶-۳۲۲ پ.م)، ۱۴ سال سلطنت اختصاص دادند. این در حالیست که او در حقیقت بیش از ۸ سال سلطنت نکرد.

سوم- اندیشه‌های بابلی در مبحث زمان، به خلق ایده «تاریخ جهانی»<sup>۹</sup> که در آن سالهای بزرگ جهانی<sup>۱۰</sup> به شکل هزاره تکرار می‌شد، انجامید. این اندیشه از سوی ایرانیان پیرو فرقه زروانی پذیرفته شد. پی‌آمد آن چیزی نبود جز شکل‌گیری اندیشه زروانی مبنی بر اینکه در بازه‌ای کرانمند از زمان، سرنوشت جهان به

1. Boyce and Grenet, *Zoroastrianism*, p. 374.
2. Boyce, loc. cit.
3. Dynastic prophecy
4. یک سبک ادبی بابلی است. مترجم.
5. Arranged according to reigns characterized as good or bad
6. Grayson, 1975b, pp. 24-37.
7. Eddy, pp. 18-23; Boyce and Grenet, *Zoroastrianism*, pp. 382-85.
8. Parker and Dubberstein, p. 19, cf. p. 36.
9. World Age
10. Great world-years

دست زروان (خدای زمان) و دیگر حرکات سیاره‌ها تعیین شده و تاریخ با توجه به برج‌های ۱۲ گانه به ۱۲ هزاره تقسیم می‌گردد.<sup>۱</sup>

به‌کارگیری این طرح در اندیشه تاریخی باعث شد تا ایرانیان آفرینش جهان را در ابتدای یک دوره ۱۲ هزارساله جای دهند. دوره‌ای که در پایان به آمدن منجی که نظم جهانی را احیا می‌کند، می‌انجامد. در این ۱۲ هزاره، سه هزاره نخست به آفرینش آفریده‌ها از سوی اهورامزدا و باقی هزاره‌ها به نبرد او (با کمک انسان) با اهریمن و نمایندگان او اختصاص دارد.<sup>۲</sup> ایرانیان شش هزاره را به چهره‌های تاریخی چون گیومرت، هوشنگ، جمشید، بیوراسپ و فریدون اختصاص داده‌اند.<sup>۳</sup> از این روست که گفته‌اند «آخرالزمان زردشتی، در بابل آغاز دوره هلنی متولد شد».<sup>۴</sup> تأثیر مستقیم این اندیشه چیرگی نهایی جبرگرایی بود. با این تفسیر که این ستارگان‌اند که سرنوشت تاریخ و فراز و فرود امپراتوری‌ها و فلاکت‌های انسان در پیش از ظهور منجی را از پیش مقدر کرده‌اند.<sup>۵</sup>

به مرور، خاطره هخامنشیان تیره و تار شده و تنها در تاریخ‌نگاری شفاهی، سه روایت باقی ماند: اینکه دوره حکومت ایرانیان ۲۲۸ سال به درازا کشید<sup>۶</sup>، اینکه شاهان ایرانی (از اردشیر یکم) بر تخت، نام اردشیر را به خود اطلاق می‌کردند<sup>۷</sup> و اینکه اسکندر واپسین شاه ایرانی، کسی به نام داریوش کوچک<sup>۸</sup> را کشته بود.<sup>۹</sup>

خاطره پارتیان سرنوشت بهتری نیافت. آنان نیز تاریخ‌نگاری شفاهی را که مانع زوال تاریخ‌شان از زمان شکست خوردشان می‌شد، ترجیح می‌دادند. خنیاگران (گوسان‌های) در خدمت نجیب‌زادگان پارتی<sup>۱۰</sup> در دوره ساسانی شکوفا شدند و نهایتاً میراث خاندان‌های اشراف اشکانی را به دوران باستانی ترکیب‌کنی منتقل

1. Boyce, *Zoroastrianism* I, pp. 276, n. 107, 285-86, 291-92; II, pp. 32-33, 234-37, 240; III, p. 538; see also *BABYLONIAN INFLUENCE ON IRAN*.

2. Yarshater, pp. 353 ff.

3. Biruni, *al-Qnmmn nmss iii*, cited by Taqizadeh, 1937, p. 79, n. 159.

4. Boyce and Grenet, *Zoroastrianism*, p. 386.

5. Boyce, loc. cit.; for details, see Shahbazi, 2001, pp. 67 ff.

6. Agathias, 2.25.7.

7. Diodorus Siculus 4.93.1.

8. Younger Darius

9. D r a; Agathias 2.25.8; Ebn Ma r, acited by Taqiz da, 1937, p. 288, n. 419; *Baaaannnn*30.14, pp. 274-75; ... -*mma* [Moscow], IX, p. 60, vv. 844-45.

10. Parthian magnates

کردند<sup>۱</sup> هرچند این ادعا که اشکانیان نوعی از تاریخ ملی را حفظ کردند که «شامل گزارش‌های معتبری از دوران باستان و پیشینیان بوده» و به دستور اسکندر از کلدانی به یونانی ترجمه گشته بود<sup>۲</sup> هنوز ثابت نشده است.<sup>۳</sup> سپس هنگامی که سرآغاز دوره سلوکی فراموش شد، ساسانیان این سالشمار جهان‌شمول «شمارش سابق» که تقویم پیشین ایرانیان بود را به عنوان «تاریخ زردشت» بازتفسیر کردند.<sup>۴</sup>

۵۳۸ سال فترت میان این تاریخ (۳۱۱ پ.م) و برتخت‌نشینی اردشیر بابکان (در سالشمار سریانی) به سال ۲۲۷ چنین تقسیم شد که ۲۵۸ (= ۲۲۸+۳۰) سال از زادروز زردشت (۳۰ سال پیش از دین‌آوری) تا زمان اسکندر و ۱۴ سال برای دوره اسکندر و باقی ۲۶۶ (۵۳۸-۲۵۸+۱۴) سال برای پارتیان ماند. این دوره اخیر از سوی آگاتیاس به حدود ۲۷۰ سال گرد شد.<sup>۵</sup> گاه‌نگاری ناقص ایرانیان که مسعودی<sup>۶</sup> و ابوریحان بیرونی<sup>۷</sup> برای توجیه آن تلاش کردند از اینجا سر برآورده است.

ساسانیان سنت هخامنشی را در شمارش سالهای برتخت‌نشینی پادشاه از زمان تاج‌گذاری که با روشن شدن آتش‌شاهی نشانه‌گذاری می‌شد زنده گرداندند.<sup>۸</sup> آنان همچنین سنت ثبت افتخارات پادشاهان در سنگ‌نوشته‌های چندزبانه را نیز احیا کردند. به عنوان نمونه می‌توان به سنگ‌نوشته سه‌زبانه شاپور یکم (ح ۲۷۰-۲۳۹) بر روی دیواره‌های کعبه زردشت نزدیک تخت جمشید اشاره کرد که شباهت‌های شکلی و محتوایی با سنگ‌نوشته بیستون داریوش یکم دارد، اشاره کرد.<sup>۹</sup>

همسانی‌های محتوایی در سنگ‌نوشته چندزبانه نرسه در پایکولی بیشتر نمایان است.<sup>۱۰</sup> این اثر رویدادنامه‌ای از حوادث منتهی به برتخت‌نشینی نرسه به‌دست می‌دهد. افزون بر این مانی و حواریون‌اش<sup>۱۱</sup>

1. Boyce, 1954; idem, 1955, pp. 473-74; idem, 1957, pp. 17 ff.; Yarshater, pp. 457-61; Shahbazi, 1993.

2. Moses Khorenats il.9.

3. Moses Khorenats i Thomson sdintod, pp 82-84.

4. Lewy, pp. 213-14; Taqizada, 1947; Henning, 1951, pp. 37-39;

مقایسه کنید با: مثال دیگری از این کار، بازتفسیر مسیحیان است که تولد خورشید شکست‌ناپذیر در ۲۵ دسامبر را به عنوان کریسمس جا زدند.

5. Shahbazi, 1977, p. 27; idem, 1990a, pp. 219-23.

6. *Tanbih*, pp. 97-98.

7. *al-n nnn nnaa s ddi*, apud Taqizada, 1940, p. 128.

8. Henning, 1957, p. 117.

9. Rostovzeff, p. 19; Sprengling, pp. 334, 335-36, 337, 338, 340; Skjærvø; Huyse.

10. Humbach and Skjærvø.

11. His disciples



به تقلید از سنت‌های بابلی، مسیحی و بودایی، ادبیاتی شامل زندگی‌نامه و زندگی‌نامهٔ خودنوشت<sup>۱</sup> بر ساختند که بخشی از تاریخ مذهبی مانوی را شکل داد. کرتیر، روحانی ارشد زردشتی و دشمن مانی در دوره ابتدایی ساسانی، با انتشار زندگی‌نامه خودنوشت‌اش در سنگ‌نوشته‌های صخره‌ای به زبان فارسی میانه به مقابله با او پرداخت. (Gignoux; MacKenzie) با این همه این تلاش برای دستیابی به تاریخ‌نگاری مکتوب، منفرد و منزوی ماند. در پایان سده چهارم، حتی همین سنت کردن نقش برجسته‌های صخره‌ای هم طرد شد و به جایش تاریخ‌نگاری شفاهی در دستور قرار گرفت. از همین رو، داستان ایرانی برآمدن کورش که آنرا از هرودوت می‌شناسیم، با کی خسرو تطبیق داده شده و داستانی که کنسیاس از او نقل می‌کند به اردشیر بابکان انتقال یافت.<sup>۲</sup> افسانهٔ فتح سارد به دست کورش از طریق خیانت دختر دشمن‌اش، به شاپور یکم یا دوم ساسانی منتقل شد،<sup>۳</sup> زندانی شدن و متعاقب آن ازدواج دختر کورش به دست بردیای دروغین به ضحاک و خواهران جمشید نسبت داده شد<sup>۴</sup> و داستان شگفت‌انگیز ساختن شهری به دست دیوکس با هفت دیوار به رنگ‌هایی متنوع، برای کی کاوس (کایوس) و کاخ او بر البرز کوه بازگو شد.<sup>۵</sup>

به عنوان بازتابی از عصر خسرو یکم انوشیروان، نامهٔ تسر<sup>۶</sup> از این روند گلابه کرده و مردمان را سرزنش می‌کند: «علم انساب و اخبار و سیر نیز ضایع کردید، و از حفظ فرو گذاشتید، بعضی بر دفترها می‌نویسید، و بعضی بر سنگ‌ها و دیوارها، تا آنچه به عهد پدر هر یک از شما رفت هیچ بر خاطر ندارید، از کارهای عامه و سیر ملوک...»<sup>۷</sup>

انوشیروان به تاریخ علاقه داشت<sup>۸</sup> و در «احول اردشیر بابکان مطالعه می‌کرد» تا زمامداری را بهتر بیاموزد<sup>۹</sup> و او بود که تصمیم گرفت یک تاریخ برجسته ملی از دوران گذشته ایران گرد آورد. این کار به دست دانشوران در دربار او انجام گرفت و نام خدای نامک (کتاب بزرگان/شاهان) بر آن نهادند.<sup>۱</sup>

1. Autobiography
2. Gutschmid, pp. 133 f.
3. Shahbazi, 1990a, p. 260.
4. Markwart, pp. 132, 135 f.
5. Bššššššš š 32.11.
6. āā aa -ye Tansar, pp. 11-12.

۷. نقل از اصل فارسی نامهٔ تسر.

۸. برای خطبهٔ انوشیروان بنگرید به:

Grignaschi, pp. 27-28.

9. abari, I, p. 898; a blę orar, p. 606.

با اینحال برابر با سنت تاریخ‌نگاری شفاهی، گردآورندگان، اسناد مکتوبی چون سنگ‌نوشته‌های اردشیر بابکان، شاپور یکم، دوم و نرسه را به کناری نهاده و خاطرات دوره‌های اخیر را با اساطیر کهن دوره دورتر ترکیب کردند. آنان تاریخچه ایرانیان را از آفرینش و پیدایی نخستین انسان در چهار دوره دودمانی بازگو کردند. شخصیت‌های اسطوره‌ای هندوایرانی کهن به عنوان «شاهان نخستین» با نام پیشدادیان<sup>۲</sup> نمایان شده و تاریخ منسجمی (که از سنت‌های شفاهی متنوع و تاریخ‌نگاری‌های زمان‌پیشانه<sup>۳</sup> برآمده بود) برای آن داستان‌ها ساخته و پرداخته گشت. ویژگی‌های پیشدادیان عبارتند از تثبیت‌کنندگان نهادهای سیاسی، مروجان شهری‌گری و توسعه کشاورزی، مخترعان مهارت‌ها و ابزارآلات، تدوین‌کنندگان قوانین و طبقات اجتماعی و مدافعان مردم ایران. در پی آنان، شاهان نیمه-اساطیری کیانی را داریم که ارتباط محکمی با داستان‌های تاریخی انتقال یافته از دوره اشکانی و حتی ساسانی دارند. زردشت در میانه دوره کیانی جای گرفته و پشتیبان او، کی‌گشتاسپ به عنوان پدر بزرگ و نیای اردشیرها (بهمن-اردشیر) به شاهان هخامنشی پیوند خورده است.

باقی تاریخ کیانی در میان ملکه همای، دارا پسر بهمن و دارا پسر دارا تقسیم شده است. واپسین شاه به‌دست اسکندر، ویرانگر شاهنشاهی و آسیب‌زننده به دین، کشته می‌شود. ولی پس از ۱۴ سال حکومت، اشکانیان یعنی اخلاف کیانیان، شاهنشاهی را احیا کرده و برای ۲۶۶ سال فرمانروایی می‌کنند. از آنان جز از نام شنیده نشده بود<sup>۴</sup> ولی رویدادهای آن دوره در قالب دوره‌های پیشین‌اش بازگویی شد. نهایتاً اردشیر پسر پابک از نسل بهمن اردشیر، پادشاهی پارسیان و مذهب زردشت را زنده کرده<sup>۵</sup> و چهارمین شاهنشاهی ایرانی، یعنی ساسانیان را استوار گرداند.

خدای‌نامه به دست ما نرسیده است، ولی آثار عربی-فارسی برآمده از آن تاثیر فراوان تاریخ‌نگاری شفاهی و ترکیب شدن انواع سنت‌ها را نشان می‌دهد. هیچ چیز از سنگ‌نوشته‌های شاپور یکم بر دیواره‌های کعبه زردشت و پایکولی نرسی به آنچه تاریخ ملی خوانده می‌شود، وارد نگشت. برخلاف اسناد تاریخی، اردشیر بابکان پسر ساسان خوانده شده، نبردهای شاپور یکم با رومی‌ها زینت‌بخش (و با مشارکت) دوره شاپور

1. Nöldeke, *Geschichte der Perser*, pp. xiv-xviii; idem, 1920, pp. 13-15; Yarshater, pp. 359 ff.; Klima, p. 221; Shahbazi, 1990b, with further literature.

۲. نخستین منسوبان به فرمانروایی:

Boyce, *Zoroastrianism I*, p. 104

3. Anachronistic

4. *hhh-mmna* VII, p. 116, v. 65.

5. Agathias, 26.2; *āā ma-ye Tansar*, pp. 11, 42.

دوم شده، کرتیر فراموش گشته و جای او را تنسر افسانه‌ای گرفته و نرسه پسر بهرام (دوم یا سوم) دانسته شده است.

از آن طرف، نبرد خسرو انوشیروان با هفتالیان به شکل نبرد بزرگ میان کی‌خسرو با افراسیاب تورانی مطرح شده،<sup>۱</sup> فتح سگستان (در کنترل دودمانی پارتی) به دست اردشیر، در داستان ویرانی زادگاه رستم به دست بهمن اردشیر نمایان شده<sup>۲</sup> و شکست قاطع پیروز به دست هفتالیان به شکل نابودی نوزد شاه پیشدادی گفته شده است.<sup>۳</sup> در هر صورت، در پایان سده ششم میلادی، تاریخ ملی در گنجینه شاهی تیسفون وجود داشته که آگاثیاس غیرمستقیم گزارش خود از تاریخ ساسانی را از آن برگرفته است.<sup>۴</sup> نمونه‌های دیگری از آثار تاریخی هم تدوین شده‌اند. یکی از آنان شرح حال خسرو انوشیروان از زبان خودش است که بخشهایی از آن در تجارب‌الامم مسکویه برجای مانده است.<sup>۵</sup> مورد دیگر شرح حال برزویه است که دیباچه‌ای بر نسخه فارسی میانه کلیله و دمنه بوده است.<sup>۶</sup>

اندکی بعد، اثری در مورد محاکمه خسرو پرویز نگاشته شده است که شامل اتهامات و همچنین دفاعیات او است.<sup>۷</sup> خسرو پرویز پس از پیروزی، دستور به نگارش گزارش‌های نبردهای او با بهرام چوبین داد.<sup>۸</sup> کسان دیگری هم به نگارش چگونگی سرنگونی ساسانیان و گردآوری داستانهای پهلوانان، قصه‌های عامیانه و افسانه‌های عبرت‌آموز پرداختند و همه این آثار، به ظاهر تاریخی بودند. آثار دیگر (شامل کارنامه اردشیر بابکان، رستم و اسفندیار، شروین دشتی و ویس و رامین) که به طور کلی به زمینه ادبیات پهلوی تعلق دارند در حوصلهٔ این مقاله نمی‌گنجند.

ویژگی‌ها - تاریخنگاری ایرانی که به شکل تاریخ ملی تکامل یافته است، بیشتر اخلاق‌محورانه<sup>۹</sup>، مشیت‌گرایانه<sup>۱</sup> و آخرالزمانی و کمتر انحصارگرایانه<sup>۲</sup> و کاربردی<sup>۳</sup> بود.<sup>۴</sup> مفهوم تاریخ بر پایه اخلاق و اصول

1. Shahbazi, 1990b, pp. 210-13.

2. Shahbazi, 1994.

3. Nöldeke, 1920, p. 3, n. 10.

4. A. Cameron.

5. Grignaschi, pp. 16-28.

6. Nöldeke, 1912; de Blois.

7. abari, I, pp. 1050-58; Nöldeke, *Geschichte der Perser*, pp. 363-79; Bal am ed. Bah ,rpp. 1160-81; cf. above, the case of the Achaemenid prince Darius, son of Artaxerxes II.

8. q.v.; Bayhaqi, p. 481.

9. Moralistic



تاریخ‌نگار، بسی متفاوت از یک پژوهشگر بی‌طرف حقایق، در اصل، نگهدار و پشتیبان ارزش‌های اخلاقی و سیاسی و اجتماعی مورد نظرِ نخبگان ساسانی بود.<sup>۱</sup>

برای خواندنی و متقاعدکننده‌شدن تاریخ ملی، سبک فاضلانه<sup>۲</sup> و شکل پندآموز<sup>۳</sup> این متون با توصیفات ساده و روشن<sup>۴</sup> با کمک روح ملی و همچنین با اغراق‌ها<sup>۵</sup> و استعارات<sup>۶</sup> آراسته می‌شد.<sup>۷</sup> مقدمه قدیم شاهنامه<sup>۸</sup> این تعابیر، ویژگی‌ها و مفهوم اصلی تاریخ ملی را در خود حفظ کرده است. در پاره‌ای از شاهنامه منثور به دستور ابومنصور پسر عبدالرزاق توسی می‌خوانیم: «تا خداوندان دانش اندر این نگاه کنند و فرهنگ شاهان و مهتران و فرزنانگان و کار و ساز پادشاهی و نهاد و رفتار ایشان و آیین‌های نیکو و داد و داوری و رای و راندن کار و سپاه آراستن و رزم‌کردن و شهرگشادن و کین‌خواستن و شیخون کردن و آرم داشتن و خواستاری کردن، این همه را بدین نامه اندر بیابند.»<sup>۹</sup> هدف این اثر چنین بیان می‌شود: «سوَد این نامه هرکسی را هست»<sup>۱۰</sup>. این کتاب به خواننده هنر کشورداری را می‌آموزد «تا در کدخدایی با هرکس بتوانند ساختن»،<sup>۱۱</sup> و «در آن داستان‌هایی هست که به گوش خوش آید» و «هرکسی دارند تا از او فایده گیرد». کوتاه سخن آنکه «این نامه رامش جهان است و اندوه‌گسار اندوه‌گنان است و چاره درماندگان است»<sup>۱۲</sup>.

1. Yarshater, p. 366.

2. Rhetorical style

3. Didactic form

4. Vivid descriptions

5. Hyperbole

6. Metaphor

7. Yarshater, pp. 393-401.

8. Qazvini; Minorsky.

۹. نقل از اصل فارسی مقدمه قدیم شاهنامه ابومنصوری. مترجم.

۱۰. نقل از اصل فارسی.

۱۱. نقل از اصل فارسی.

۱۲. نقل از اصل فارسی.